

در زمایات های اقتصادی می باشد.

مشکلی که انتخاب کمیت خاص پول رایج در اقتصاد بازار آزاد به وجود آورد، این است که به علت جنس نامتناهی و منحصر به فرد پول نسبت به سایر کالاها، صاحب پول به حدیسی زمان دو اختیار دارد که برای مناسب ترین شرایط برای خرید، کالا از جمله خدمات نیروی انسانی، صیر کند، ولی در این انتخاب فراموش شده است که صاحبان کالا مجبور می شوند بر سرراه متضاد بین لحظه مناسب از دیدگاه صاحبان پول شوند.

گزل برای حذف بهره و به جریان افتادن پول بدون بهره که آن را پول آزاد نامید، پیشنهاد کرده است از پول به حساب با زمین احتکار شدن آن نبرد افراد مالیات اخذ شود، تفکرات گزل را دانشمندان معروفی چون جان - منیارد - کینز، اسپرونگه، فیشر، لاورنس، کلاین و سوریس ایس بسز جدی گرفتند و مورد تقدیر قرار گرفتند. گرچه از هر دو جهت طرفداران فلسفه سرمایه داری مورد انتقاد واقع شده است. کتاب او به اکثر زبان های مهم دنیا از جمله انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی ترجمه شده است.

نکته قابل توجه در نظرات گزل نشانه نسیی آن با اصول نظام اقتصادی اسلامی است که در این نظام نیز مالکیت بدون شرط بر زمین و میزان بهره مع شده است. با این وجود نظرات گزل در محافل علمی - اقتصادی کشور ما معرفی شده و اقتصاددانان ایرانی به ندرت با استدلال ها و طرز فکر این دانشمند آشنا هستند. لازم به ذکر است که نظریه های ارائه شده توسط گزل فقط علمی بوده و به دور از هر نوع ارزش گذاری فلسفی است.

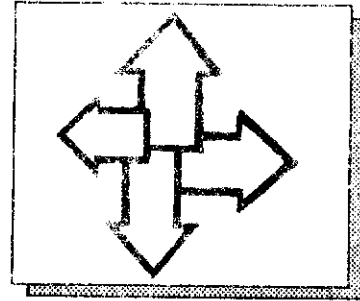
توجه به دو نقل قول زیر از کتاب معروف کینز موسوم به "نظریه عمومی اشتغال، میزان بهره و پول" جهت درک اهمیت علمی تفکرات گزل کفایت می کند: "در این جا لازم است از سیلو یوگزل (۱۹۳۰-۱۸۶۲) دانشمند و مبتکری که به طرز تعجب آور و به نحو گمنام مانده نام برده شود. آثار گزل درباره اقتصاد بسیاری از مسائل اقتصادی لاینحل را روشن می سازد. من معتقدم که آینده علم اقتصاد از نظریه های گزل بیشتر از آنچه تاکنون از نظریه های مارکس بهره برداری کرده خواهد آموخت."

"آن گروه از اصلاح طلبانی که راه نجات را ایجاد و به جریان انداختن پولی می دانند که برای نگه داری آن باید مبلغی به عنوان مالیات پرداخت شود و به این وسیله احتکار پول، غبن اقتصادی شود، در راه صحیحی بوده اند و ارزش علمی تفکرات آنها درخور توجه بیشتر است."

برای آشنایی علاقمندان با نظرات این دانشمند آلمانی در مورد اقتصاد طبیعی که کمک مؤثری به شناخت ماهیت میزان بهره و آثار مخرب آن در اقتصاد می کند ترجمه پیشگفتار کتاب وی در این جا ارائه می شود. تا اقتصاددانان کشور ما بتوانند با دید گسترده تری با نظریه ها و سیاست گذاری های اقتصادی در رابطه با حل مشکلات اقتصادی کشور برخورد کنند. البته لازم به ذکر است که گزل در زمانی این کتاب را نوشته که اروپا در بحران اقتصادی اواخر جنگ اول جهانی به سر می برد و هنوز حکومت کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق بر مبنای عقاید مارکس و لنین شکل نگرفته بود. طبیعی است که برخی از مثال ها و شرح وقایع معطوف به این دوران فلاکت بار اروپا است و او با نظرات کینز در مورد نقش دولت در حل مشکلات نظام اقتصادی سرمایه داری آشنا نبود.

هر نظام اقتصادی را تنها در صورتی می توان طبیعی تلقی کرد که با

## اطلاع رسانی



# چکیده کتاب: نظام اقتصاد طبیعی از طریق زمین آزاد، پول آزاد

سیلو یوگزل دانشمند آلمانی در ۱۹۱۸

(سید ابراهیم بیضایی عضو هیأت علمی دانشگاه هوایی شهید ستاری)

## مقدمه مترجم

سیلو یوگزل دانشمند آلمانی در کتاب خود موسوم به نظام اقتصاد طبیعی ادعا کرده است که نظام اقتصادی حاکم بر انسان ها که بیشتر منبعث از اقتصاددانان کلاسیک است به هیچ وجه با وضع صلح و آرامش انسان ها و کشورها هماهنگ نیست. علت اصلی این ناهماهنگی را او در رانت زمین و بهره پول به عنوان عوامل به وجود آمدن قدرت انحصار اقتصادی و نبود توزیع عادلانه محصول فعالیت تولیدی تشخیص داد. گزل با ارائه استدلال های متعدد نشان داد که به ویژه وجود عامل میزان بهره باعث فقر، بی ثباتی و بحران اقتصادی است، و برای رفع قطعی این مشکلات لازم است میزان بهره از زندگی اقتصادی بشر حذف شود. او در کتاب خود این گونه می نویسد:

"دلیل بحران اقتصادی در این است که از یک سو، سرمایه گذاران میزان بهره را که بر اثر عوامل مختلف تغییر می کند به عنوان شاخص اصلی تصمیم گیری برای سرمایه گذاری در نظر می گیرند، و از سوی دیگر، زمانی که موجودی ساختمان، ماشین آلات و ابزار تولید از یک میزان معین تجاوز می کند و سود سرمایه گذاری برای تولید آنها از بهره پول کمتر می شود، از میزان سرمایه گذاری خود می کاهند."

گزل برای توجیه علت اصلی وجود میزان بهره در زندگی اقتصادی انسان مفهوم خاصی موسوم به "بهره اولیه" را تشریح کرده و علت وجود آن را در ماهیت پول رایج

با استعدادترین افراد مسیر ارتقا به سوی اهداف الهی که مدّت هاست فراموش شده، پیمایید.

## ارتقای بشر نیز مانند سایر موجودات زنده در درجه اول به این عامل بستگی دارد که انتخاب او برای شیوه زندگی اقتصادی هم جهت با قوانین طبیعی زندگی باشد. اما حصول به این قوانین طبیعی و جانداختن آن‌ها در زندگی اقتصادی بشر نیاز به مسابقه و رقابت دارد.

نظام اقتصادی حاکم بر زندگی انسان‌ها در جامعه را از جنبه دیگری نیز می‌توان به لحاظ طبیعی بودن مورد ارزیابی قرار داد. برای این که انسان بتواند سیر تکاملی خود را پیماید باید برایش امکان‌پذیر باشد در تمام شرایط این گونه که فطرت اوست رفتار کند. ویژگی‌های فطری انسان باید به صورت واقعی در رفتار انسان تجلی یابد نه این که به این خصوصیات تظاهر شود. یکی از ویژگی‌های بارز انسانی این است که همیشه آزادانه حقیقت‌گو باشد. نظام طبیعی حاکم بر زندگی انسان‌ها باید به گونه‌ای باشد که حقیقت‌گویی نوعی صفت ممتاز و فخرمانانه تلقی شده و انسان‌های حقیقت‌گو نه تنها صدمه‌ای نبینند بلکه وجود این صفت در انسان‌ها موجب رشد و تکامل آن‌ها در زندگی اقتصادی شود و انسان آزاداندیش و حقیقت‌جو پرورش یابد.

اگر انسان بخواهد در جامعه براساس فطرت طبیعی خود رفتار کند باید از طریق قوانین، عقاید مذهبی و رسوم جاری شرایطی فراهم شود که فعالیت‌های اقتصادی انسان‌ها در جهت تأمین نیازهای منطقی خود مورد حمایت قرارگیرد. در جامعه‌ای که انسان‌ها با فعالیت‌های اقتصادی منطقی در جهت تأمین نیازهای خود بتوانند از نظر پایگاه اجتماعی ارتقا یابند اما جهان‌بینی مذهبی رایج در جامعه آن‌ها را مورد نکوهش قرار دهد، دیر یا زود این نوع اعتقادات مذهبی به حاشیه رانده می‌شود و یا مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. نظام ارزش‌گذاری جامعه باید به گونه‌ای باشد که انسان‌های بزرگ و دارای ویژگی‌های برجسته از نظر فعالیت‌های اقتصادی مورد تشویق قرار گیرند و قدر آن‌ها دانسته شود. در این صورت انسان‌ها بر تلاش خود می‌افزایند و گنج‌های درونی و پایان‌ناپذیر خود را کشف می‌کنند. به همین علت می‌توان ادعا کرد که

طبیعت و فطرت بشر سازگار باشد. در این رابطه باید توجه داشت که منظور از نظام طبیعی آن نیست که به طور خود به خود از طریق طبیعت حاصل شده باشد، بلکه این نظام حاصل تجربه و عملکرد انسان‌هاست. موضوع سازگاری یا ناسازگاری نظام اقتصادی با طبیعت بشر را با مراجعه به تاریخ تکامل جوامع انسانی می‌توان تشخیص داد. در این ارتباط می‌توان استدلال کرد که در دوران‌هایی از تاریخ تکامل انسان‌ها که بهترین رشد و تکامل بشر به ثبت رسیده نظام اقتصادی مربوطه نزدیکترین تشابه را با نظام طبیعی داشته است. اما بررسی این نکته که این نوع نظام تا چه حد قابل اجرا بوده و موجب افزایش عملکرد اقتصادی انسان‌ها شده است موضوعی است جداگانه که در درجه اهمیت پائینی اهمیت قرار دارد. در این زمینه می‌توان نظام اقتصادی خاصی را تصور کرد که به لحاظ عملکرد نتیجه بالایی داشته اما به لحاظ تکامل انسان نتایج دردناکی به دنبال داشته باشد. اما در مقابل باید پذیرفت که نظامی که موجب ارتقای بشریت را فراهم کند. باید به عنوان نظامی با عملکرد خوب تلقی شود، زیرا محصول فعالیت‌های بشر در نهایت از طریق ارتقای قابلیت‌های بشر بهبود می‌یابد.

ارتقای بشر نیز مانند سایر موجودات زنده در درجه اول به این عامل بستگی دارد که انتخاب او برای شیوه زندگی اقتصادی هم جهت با قوانین طبیعی زندگی باشد. اما حصول به این قوانین طبیعی و جانداختن آن‌ها در زندگی اقتصادی بشر نیاز به مسابقه و رقابت دارد. تنها از طریق رقابت، آن هم بیشتر در زمینه فعالیت‌های اقتصادی است که تلاش‌ها و عوامل ترغیب‌کننده برای ارتقا و پیشرفت شکل می‌گیرد، اگر قرار باشد قوانین طبیعی به‌طور کامل و مؤثر در زندگی انسان‌ها پیاده شود باید نظام اقتصادی به گونه‌ای استقرار یابد که اصل رقابت بین انسان‌ها در هماهنگی با طبیعت جریان پیدا کند. به این منظور لازم است تدارکات همه افسراد برای شرکت در رقابت یکسان بوده و سازمان‌دهی‌های اجتماعی به‌طور کامل مانع تبعیض بین انسان‌ها و برقرار شدن قدرت انحصاری فرد یا گروهی از آن‌ها بر سایرین شود. در این حالت است که موفقیت افراد در رقابت‌ها و مسابقه‌ها فقط به ویژگی‌های ذاتی و تلاش آن‌ها وابسته شده و روحیه تلاش‌گری به همین نحو به نسل‌های بعد به ارث رسیده و جزو ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها می‌شود.

اگر در ماهیت پول به جای امتیازات و مزایای تعهد شده مستتر در آن ویژگی‌هایی مانند سعی و کوشش، نیرو و قدرت، عقل و تجربه و عشق و محبت تعبیه می‌شود، فرزندان هر نسل باید موفقیت خود را به عقل و درایت والدین مرهون باشند. در این صورت می‌توانستیم امیدوار باشیم که با گذشت زمان بشریت از همه بدی‌ها و پلیدی‌هایی که در طول هزاران سال در نتیجه پرورش غلط ناشی از ماهیت پول و امتیازات تبعیض‌آمیز آن رنج کشیده است آزاد شود و از این تفکر که قدرت و حاکمیت حق طبقه‌ای است که از امتیازات تبعیض‌آمیزی بهره می‌گیرند خود را رها ساخته و تحت هدایت اصیل‌ترین، نجیب‌ترین و

شرایطی برابر یا یکدیگر به رقابت می‌پردازند و فعال‌ترین و باهوش‌ترین آن‌ها هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرند، هیچ نوع امتیاز تبعیض‌آمیزی در جامعه وجود ندارد و همه افراد در جستجوی کسب منافع شخصی در جهت هدف خود حرکت می‌کنند، بدون این‌که در نتیجه عوامل انسانی غیراقتصادی و خارج از کنترل آن‌ها حرکت خود را کند کنند.

یکی از شرایط لازم برای طبیعی بودن نظام اقتصادی در وضع اقتصادی ناهنجار امروزی تحقق یافته است و آن فعالیت‌های اقتصادی براساس انگیزه منافع شخصی است. شرط دیگری که از عوامل مهم برقرارشدن اقتصاد طبیعی محسوب می‌شود این است که همه افراد برای کسب منافع شخصی با تدارکاتی یکسان در رقابت شرکت کنند. نظام اقتصادی حاکم بر جهان بدون این شرط است.

با توجه به مطلب مذکور برای حصول به نظم اقتصادی جدیدی که متناسب با حالت طبیعی اقتصاد باشد ضرورت دارد کلیه عوامل ایجاد تبعیض در فعالیت‌های اقتصادی که می‌توانند شرایط رقابت را به انحراف بکشانند به‌طور کامل برطرف شود. حصول به این هدف نیازمند برقرار شدن شرایطی است که در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرند، یعنی شرایط زمین آزاد و پول آزاد.

## نظام اقتصادی مبتنی بر منافع شخصی علاوه بر ایجاد انگیزه برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه و امکان کافی برای پرداختن به فعالیت‌هایی با هدف غیر از کسب منفعت شخصی را نیز فراهم می‌کند. در این نوع نظام اقتصادی که مبتنی بر انگیزه کسب منفعت شخصی است.

این نوع نظام اقتصادی طبیعی را می‌توان نظام بازار رقابتی آزاد نامید، نظامی که در آن آزادی تفکرات به‌عنوان هدف جلوه‌گر است، و افراد سعی می‌کنند بدون وابستگی به قدرت انفرادی یا گروهی خارج از نظام روی پای خود بایستند و براساس قواعد بازی رقابت آزاد با هم رقابت کنند. در صورت برقرار شدن این نوع نظام به تدریج آثار مخرب ناشی از مداخلات دولت در اقتصاد که از طریق تأثیر ایده سوسیالیسم دولتی و کوتاه‌بینی مقامات دولتی، به‌وجود آمده است جبران شده و نظام اقتصادی در مسیر صحیح قرار می‌گیرد. امروزه فعالان اقتصادی به صورت رقابتی آزاد فقط گروهی را شامل می‌شود که تشخیص آن‌ها در مورد فعالیت‌های اقتصادی خود تحت تأثیر تصمیم‌های اشتباه ناشی از

مبانی اقتصاد طبیعی بر بهره‌گیری هر فرد از توانایی‌های خود در جهت کسب رفاه مبتنی است. اما انجام فعالیت اقتصادی نیازمند قبول نوعی گذران زمان در شرایط نامطلوب و گاهی زجرآور است و انرژی طبیعی انسان را تحلیل می‌برد. به‌همین علت انسان برای پرداختن به فعالیت اقتصادی نیاز به انگیزه و نیروی محرکه دارد که قوی‌ترین آن‌ها بهره‌مندی فرد از حاصل فعالیت اقتصادی است. از این‌رو اگر سیاست‌گذاران اقتصادی برای اعمال سیاست‌های خود بر روی انگیزه منافع اقتصادی اشخاص برای فعالیت اقتصادی حساب باز کنند تصور درستی از واقعیت اقتصادی جامعه داشته‌اند. توصیه‌های اقتصادی مسیحیت نباید به سیاست‌گذاری اقتصادی منتقل شود، زیرا در این زمینه به نتیجه درستی منتهی نمی‌شود. در واقع انسان‌ها بعد از ارضای نیازهای مادی خود نیازهای معنوی را احساس می‌کنند و فعالیت‌های اقتصادی ویژه ارضای نیازهای مادی است. به‌عبارتی دیگر می‌توان گفت که انسان وقتی گرسنه است گدایی می‌کند و وقتی سیر شد به عبادت می‌پردازد.

نظام اقتصادی مبتنی بر منافع شخصی علاوه بر ایجاد انگیزه برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه و امکان کافی برای پرداختن به فعالیت‌هایی با هدف غیر از کسب منفعت شخصی را نیز فراهم می‌کند. در این نوع نظام اقتصادی که مبتنی بر انگیزه کسب منفعت شخصی است هرکس باید از تصاحب کامل محصول فعالیت اقتصادی خود مطمئن شود و در مورد نوع استفاده از آن کاملاً آزادانه تصمیم‌گیری کند. در این شرایط هر کس که مایل است با رضایت خود به دیگران باری می‌رساند ولی هیچ کس او را به این کار مجبور نمی‌کند. در داستانی معروف گفته شده است که بزرگ‌ترین مجازاتی که می‌توان برای فردی تعیین کرد این است که او به جامعه‌ای که همه نیازمند به کمک هستند تبعید شود و همه دست‌ها برای کمک به سویس دراز شود اما نتواند به آن‌ها باری دهد. اگر نظام اقتصادی جامعه بر قواعدی غیر از منافع شخصی استوار باشد و افراد نتوانند در مورد استفاده از محصول فعالیت خود آزادانه تصمیم‌گیری کنند. همه مردم جامعه در یک چنین وضع وحشتناکی قرار می‌گیرند.

در این‌جا لازم است برای آرامش دادن به خوانندگان دوستدار انسان‌ها متذکر شد که روح همدردی با دیگران و آمادگی برای فداکاری در شرایطی بهتر رشد می‌کند که افراد بتوانند با موفقیت کار کنند. روحیه فداکاری از ویژگی‌هایی است که همراه احساس قدرت و اطمینان در افراد ظاهر می‌شود و در شرایطی تجلی می‌یابد که انسان‌ها قادر باشند برای تأمین نیازهای زندگی به بازوی خود متکی باشند. باید دقت شود که در مطالب مذکور مفهوم منافع شخصی با مفهوم خودخواهی یکسان تلقی نشود. انسان خودخواه بسیار کوتاه بین است و انسانی که دید وسیع دارد درک می‌کند که منافع شخصی او در شرایطی که همه مردم جامعه در رفاه باشند در بهترین حالت تأمین می‌شود.

به این ترتیب منظور از اقتصاد طبیعی نظامی است که در آن انسان‌ها با در اختیار داشتن تجهیزات که از طبیعت به امانت می‌گیرند در

یافت. بشر در مراحل بعدی تکامل زندگی اقتصادی خود به اختراعاتی مانند کشتی بخاری و راه آهن دست یافت و همراه با آن روحیه آزادی‌خواهی و مطالبه حق در کارگران قوت گرفت. این تحولات در انگلستان باعث شد که دستمزد کارگران به قیمت کاهش یافتن رانت زمین افزایش یابد. در ضمن مهاجرت کارگران به آمریکا و اشتغال آن‌ها بر روی زمین‌های آزاد این سرزمین تازه کشف شده، بدون هر نوع عوارض و رانت، موجب کاهش محصولات کشاورزی در انگلستان و رانت زمین در این کشور شد. این روند موجب بروز بحران اقتصادی در انگلستان و کشورهای مشابه شد و دولت را بر آن داشت از طرق مختلف از جمله محدود کردن روحیه آزادی‌خواهی کارگران بحران را مهار کند.

سومین نکته مهمی که مبلغان نظام رقابتی آزاد در توجیه کارایی نظام ارائه می‌داشتند به این قرار است که در شرایطی که نظام توانسته است از طریق بهره‌گیری از نیروهای بازار آزاد بر بحران گرسنگی ناشی از افزایش قیمت محصولات کشاورزی و مشکلات ناشی از آن فائق شوند، به همین طریق نیز قادرند با روشی مشابه و از طریق بهبود شیوه‌های حمل‌ونقل، تأسیسات و سازمان‌دهی تجاری، و گسترش شبکه بانکی و غیره، عوامل ایجاد سایر مشکلات اقتصادی را برطرف کند. زیرا همان‌گونه که عامل بحران گرسنگی توزیع نامناسب محصولات غذایی تشخیص داده شد، تصور می‌رفت که رکود اقتصادی نیز در نتیجه توزیع نامناسب سایر کالاها و عوامل تولید حاصل می‌شود.

در مجموع می‌توان آموزش‌های ارائه شده در مورد گردش کار نظام رقابت آزاد را به این صورت ارائه کرد: اگر بتوان از طریق فعالیت تجاری اقتصاد کشور را مستمر در اشتغال کامل نگاه داشت، در نتیجه این گونه گردش کار بدون رکود در اقتصاد مازاد تولید سرمایه حاصل می‌شود و به خاطر آن میزان بهره به تدریج از بین می‌رود. اگر همین اتفاق در ارتباط با رانت زمین هم رخ دهد، رخدادی که در جریان رقابت آزاد دور از انتظار نیست، در این صورت قدرت پرداخت مالیات مجموع ملت به قدری بالا می‌رود که کلیه بدهی‌های دولت در مدت کوتاه تسویه شده و بعد از آن دولت قادر خواهد بود بودجه‌ای متعادل تنظیم کند. از طریق کنار هم چیده شدن این گونه نظرات در مورد نظام رقابتی بازار آزاد می‌توان نتیجه گرفت که برقرار شدن آزادی و رقابت در تصمیم‌گیری می‌تواند برای کل جهان شرایط قابل قبول و عادلانه اقتصادی را تضمین کرده و با حذف شدن عواملان اقتصادی سوداگر شاکیان متعدد نظام قانع و ساکت می‌شوند.

با توجه به این که تا امروز، نه تنها هیچ اثری از تحقق این گونه آرزوهای طرفداران نظام رقابتی آزاد مشاهده نشده بلکه برعکس هرچه زمان می‌گذرد نقایص نظام اقتصادی گسترده‌تر و رنج‌آورتر شده است، باید نتیجه گرفته که نقایص نظام که از دوران قدیم به میراث مانده از دید طرفداران نظام رقابتی آزاد پنهان بوده و لازم است با استدلالی دیگر مورد توجه قرار گیرد و آن استدلال به ماهیت پول رایج در این نظام ارتباط پیدا می‌کند. نظریه پردازان نظام اقتصادی رقابت آزاد از این نکته غافل مانده‌اند که بهره در واقع شرط به کار افتادن پول است، و رکود اقتصادی، اشتباهات به کارگیری پول در برنامه‌ریزی‌های فعالان اقتصادی و بیکاری اثراتی هستند که از نوع پول در جریان نشأت می‌گیرند. در

سیاست‌های اقتصادی قرار نگرفته و برنامه‌های اقتصادی آن‌ها با موفقیت به پیش رفته است. اما به هر حال تعداد زیادی افراد خارج از این گروه فعالیت می‌کنند و همین کفایت می‌کند که نظام کنونی به عنوان رقابتی آزاد مورد تردید قرار گیرد.

در واقع نظام اقتصادی حاکم بر زندگی انسان‌ها در مراحل اولیه تکامل خود در مسیر صحیح قرار داشت، اما فراموش شد که سیر تکامل نظام را برای ادامه وضع فعالیت‌ها در چارچوب نظام رقابتی آزاد آماده نگه داشته شود تا نیروهای شرکت‌کننده در رقابت بتوانند آزادانه با هم به رقابت بپردازند. در حقیقت فرض بر این بوده است که در نظام اقتصادی کنونی با وجود عوامل ایجاد تبعیض به صورت حق مالکیت زمین و بهره پول، تضمین کافی برای رقابت آزاد در زمینه اقتصاد مهیاست، به شرط آن که دولت بیش از حد در امور اقتصادی جامعه دخالت نکند. اما در این ارتباط فراموش شده است، و یا نحواسته‌اند به آن توجه کنند، که شرایط اقتصادی زمانی رقابتی آزاد تلقی می‌شود که به کارگران بدون ابزار تولید نیز حق داده شود زمین را با همان ابزاری که از آن‌ها ربوده شده، حاصل خیز کنند. به جای این شرایط، فعالان موفق اقتصادی دولت را به خدمت خود گرفتند تا با استفاده از قدرت دولت، شرایط به وجود آمدن رقابت آزاد را به طور کامل مخدوش کنند. آنچه اتفاق افتاده است دقیقاً برخلاف آموزشی است که علم اقتصاد در ابتدای تکامل خود در مورد شرایط نظام رقابت آزاد ارائه کرده است. شیادان و کلاهبرداران ملی بین‌المللی برای حفظ مزایا و عوامل قدرت اقتصادی تبعیض‌آمیز گروه موفق در فعالیت‌های اقتصادی آموزش اقتصاد را به راهی هدایت کردند که اصول رقابت آزاد را نفی می‌کند. در واقع این اقدام نوعی تقلب و کلاهبرداری به حساب می‌آید.

برای قضاوت درست از نتایج نظام اقتصادی رقابت آزاد به هیچ وجه نباید وضع زندگی اقتصادی انسان‌ها در شرایط کنونی مورد بررسی قرار گیرد. در واقع از نظام بازار رقابتی آزاد انتظار می‌رفت که در نتیجه رقابت نیروهای اقتصادی در مرحله اول میزان بهره به تدریج کاهش یافته و به صفر برسد. این انتظار به این دلیل به وجود آمده بود که در انگلستان که از بهترین شرایط پولی و مالی برخوردار بود میزان بهره نسبت به سایر کشورها در پایین‌ترین حد قرار داشت. تصور بر این بود که در این گونه نظام اقتصادی کافی است که نیروهای اقتصادی آزاد شده و به رقابت آزاد واگذار شوند تا عرضه پول به تدریج افزایش یافته و میزان بهره، این زشت‌ترین پدیده اقتصادی که تاکنون بشر تجربه کرده است از بین برود. طرفداران و مبلغان نظریه رقابت آزاد بسا موانع، مشکلات و محدودیت‌هایی که در مسیر حرکت به سوی حذف بهره وجود داشت آشنا نبودند.

در بخش دیگری از نظریه رایج مربوط به نظام رقابتی آزاد در ابتدا این روند پیش‌بینی می‌شد که در نتیجه تقسیم‌داری‌ها به وراثت و رشد جمعیت ساکن در زمین پدیده بزرگ مالکی به خرده مالکی تبدیل و رانت زمین از این طریق بین همه مردم به طور مساوی توزیع می‌شود. تجارب بعدی نشان داد که این نظریه سطحی و غیرواقعی بوده است، زیرا شرایط سخت اقتصادی خرده مالکان بدون اندوخته‌های نقدی آن‌ها را مجبور به فروش زمین‌ها کرد و پدیده بزرگ مالکی همچنان استمرار

می‌شود که افراد ساعی و با استعداد مزایای بیشتری را نصیب خود کنند و روند تولید مثل و تکثیر نسل آن‌ها بیشتر از افراد ضعیف باشد، و همین روند موجب بهبود نسل انسان در طول زمان می‌شود. این نوع اصل طبیعی انتخاب است که به‌طور مرتب در جهت ارتقای جوامع تکرار می‌شود، در نظام اقتصادی طبیعی از این طریق تقویت می‌شود که امتیازات مربوط به رانت زمین و بهره پول باعث مخدوش شدن این اصل از طریق حمایت گروه‌هایی خاص نمی‌شود.

در صورت برقرار شدن نظام اقتصادی دولت در جامعه تقریباً می‌توان به این نتیجه رسید که این روند بقای آن است مخدوش می‌شود زیرا دولت از طریق سیاست‌های حمایتی خود موجب برهم خوردن نظم طبیعی بقای نسل‌ها می‌شود. در یک نظام اقتصادی دولتی جایگاه انسان‌ها در نظام متناسب با توانایی‌های آن‌ها نیست، بلکه وابستگی‌های خانوادگی، حزبی و نظایر آن‌ها در احراز جایگاه‌های بالا نقش دارند. در این شرایط انسان‌ها می‌توانند با تقلب و تزویر به جایگاه‌هایی که مستحق آن نیستند دست یابند و نسل‌های آینده از این گونه افراد متقلب تکثیر می‌شود. مأموران دولت که از گروه ماهرترین افراد متقلب تشکیل می‌شوند تعیین کننده سیاست انتخاب افراد برای احراز جایگاه بالا یا پایین در جامعه هستند. کسانی که با این روند موافق نباشند به جایگاه پایین جامعه سقوط می‌کنند و به تدریج از بین می‌روند. تشریح بیشتر وضع جامعه‌ای که دولت همه اختیار آن را داشته باشد ضرورتی ندارد، اما لازم است به آزادی‌هایی که جامعه قبل از آغاز جنگ با آن روبرو بود اشاره‌ای شود و به خاطر آوریم در آن دوران تا چه حد آزادی نیروهای انسانی جامعه موجب رفاه اقشار گسترده‌ای از جامعه شده بود. در این دوران مردم شاد بودند که دارای منابع مالی کافی هستند و می‌توانند به آزادی فعالیت شغلی خود را انتخاب کرده و به آن عمل کنند؛ آن گونه که می‌خواهند زندگی کرده و به آزادی به این طرف و آن طرف سفر کنند. در این دوران از مداخلات بی‌حد و مرز دولت خبری نبود و هیچ کس ملزم نبود در مورد دارایی خود پاسخ دهد، و همه می‌توانستند با تقلیدگی خود به هر محل که مایل اند سفر کنند، به این ترتیب این دوران به دوران طلایی موسوم شد.

در این دوران گروه ناراضی کارگران بدون ابزار تولید یا پرولتاریا بودند که به دلیل ضعف زیربنای نظام در محرومیت به سر می‌بردند. آیا اعتراض طبقه پرولتاریا و اشتباه موجود در نظام برای رسیدن این طبقه به حق خود دلیل کافی بر آن است که کل نظام را رد کرده و نظام جدیدی روی کار آوریم و به این دلیل آزادی‌ها را از همه بگیریم و همه را وابسته به گروه خاصی که دولت را در دست می‌گیرند کنیم؟ آیا بهتر نیست که برخلاف این روش اصل نظام رقابتی آزاد را حفظ کرده و نقایص بنیانی آن را اصلاح کنیم و به این طریق به جای این که همه انسان‌ها را اسیر دیکتاتوری گروهی خاص کنیم، برای همه مردم سرچشمه شادی و طراوت انسانی، یعنی آزادی را تضمین کنیم؟

در این نوشتار با طراحی نظام اقتصادی طبیعی بر مبنای زمین آزاد و پول آزاد تلاش می‌شود با روشی استدلالی چگونگی حل مشکلات اقتصادی در نظام رقابتی آزاد نشان داده شده و به انواع سؤالاتی که در مورد این نظام ممکن است به ذهن خوانندگان خطور کند پاسخ قانع کننده‌ای ارائه شود.

واقع می‌توان گفت که امیدهایی که به نظام رقابتی آزاد بوده است با ماهیت و شرایط پول رایج در این نظام متناقض است.

نظام اقتصاد طبیعی از طریق ایجاد پول آزاد و زمین آزاد از تمام عوارض خطرناک نظام رقابت آزاد رها می‌شود و زمینه را برای تحقق کلیه شرایط رقابت آزاد واقعی بین نیروهای فعال اقتصاد فراهم می‌سازد. در این زمینه باید قضاوت کرد که آیا نظام اقتصادی که در این نوشتار مطرح می‌شود برای حل مشکلات اقتصادی جامعه مناسب‌تر از ایده جدید مطرح شده کمونیسم نیست، در حالی که در این ایده جدید راه نجات اقتصاد تماماً به اعتماد بر تلاش مأموران حکومت، وظیفه‌شناسی، غیرقابل خرید بودن و تفکرات بشردوستانه آن‌ها واگذار شده است. مبتکران نظام کمونیسم عقیده دارند که انسان‌ها برای گردش امور اقتصادی خود یا باید اقتصاد خصوصی مبتنی بر بازار را انتخاب کنند و با اقتصاد مبتنی بر دولت و برای آن‌ها راه سومی وجود ندارد. تفکرات دیگری نیز در مورد تلفیق این دو نظام وجود دارد که تحت عناوینی مانند نظام مشارکتی، عمومی، سوسیالیستی و نظایر آن‌ها معرفی شده‌اند، ولی در همه آن‌ها این وحشت وجود دارد که دیدگاهی در جهت مرگ آزادی‌های شخصی، استقلال فردی، خود مسؤولیتی و سنبه مسؤولان دولتی وجود داشته باشد.

طرحی که در این نوشتار در مورد نظام اقتصادی ارائه می‌شود گزینه‌ای است جدا از همه این نوع نظام‌های پیشنهاد شده که تاکنون هیچ ملتی فرصت آزمایش آن را نداشته است، اما در شرایط کنونی جهان واقعیت‌ها ما را در جهت این انتخاب مجبور می‌سازند. روند گذشته نظام اقتصادی نمی‌تواند به همین صورت استمرار یابد و ما ناچاریم بین اصلاح نظام رقابتی آزاد گذشته و نظام کمونیسم یکی را انتخاب کنیم.

نظام اقتصاد طبیعی که مبتنی بر رقابت آزاد است در صورتی که از طریق اعطای امتیازات به افراد یا گروه‌هایی خاص مخدوش نشود، به طور کامل از طریق نیروی کار اشخاص هدایت شده و متأثر از ویژگی‌های یکایک انسان‌هاست. زیرا نیروی کار تنها سلاح انسان‌ها در نبرد برای باقی ماندن است و تلاش می‌کند.

با ارائه خدمات بهتر و با کیفیت بالاتر خود را در رقابت نگه دارد. این نیروی کار افراد است که به آن‌ها حکم می‌کند چه زمانی به لحاظ اقتصادی مستقل شوند و چه موقع تشکیل خانواده دهند و چگونه فرزندان خود را پرورش دهد و زندگی خود را مطمئن سازد. نباید این نوع رقابت انسان‌ها را با شیوه نبرد حیوانات در صحرا برای مرگ و زندگی یکسان قلمداد کرد. نوع و شیوه نبرد حیوانات که به تاخیر زیادی به قدرت بدنی آن‌ها وابسته است در مورد انسان‌ها مصداقی ندارد و فقط شاید بتوان این نوع نبرد را در رابطه با انسان‌های اولیه تصور کرد. در نبرد بین انسان‌ها نتایج رقابت برای کسانی که شکست می‌خورند مانند نتیجه نبرد حیوانات وحشتناک و خشن نیست.

در مورد انسان‌ها افراد ضعیف و ناتوان به‌خاطر عملکرد ضعیف خود برای تشکیل خانواده و نگه داری فرزندان به موانع بزرگی برخورد می‌کنند و نسل کمتری از آن‌ها باقی می‌ماند. البته این روند ممکن است برای همه افراد ناتوان و معلول مصداق نداشته باشد و به موارد استثنایی نیز برخورد شود. اما بدون شک می‌توان گفت که رقابت آزاد باعث